



۲۰۱۸/۰۴/۱۲

مصطفی عمرزی

## از گذر خوش

### (به یاد و احترام اعلیحضرت محمد ظاهر شاه (رح))

الحاج نصیر عبدالرحمن (مسئول انتشارات میوند) برایم تعریف کرد که در کتاب «یادداشت های مرحوم داکتر عبدالمجید خان» که در زمان ریاست جمهوری شهید محمد داوود، وزیر عدلیه بود، خوانده است که اعلیحضرت محمد ظاهر شاه (رح)، او را در زمان اقتدارش به ارگ می خواهد. سالیان پس از جنگ جهانی دوم بود و تقابل سرد، دنیا را تقسیم می کرد.

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که معروف به شخصیت با درایت، دوراندیش و بسیار خوددار بود، تعقل سیاسی سلطنت اعلیحضرت محمد نادرخان که کشور را دوباره در مسیر درست رهنمود می شود، به درستی درک می کرد. او در تمام دوره سلطنت، افغانستان را از نوسانات ویرانگری که می توانستند بر اثر هر تغییر زود هنگام، با تجربه ارتجاع اول مواجه شوند، مصون نگه می دارد. این خرد سیاسی تا زمانی که رأی او در مقدرات مردم حاکم بود و در حد درخشش (ده سال دیموکراسی) رسید، خوش ترین خاطرات ملت از مردی است که در کنار آنان به سادگی زیست و به خوبی درک کرده بود، حتی نیت امر خیر در اجتماعی که درگیر تفکر سنتی سنگین است، نمی تواند به راحتی به مفهوم خیر تلقی شود.

شاه مرحوم پس از کودتای ۲۶ سرطان نیز برای اجتناب از ناهنجاری های داخلی، جمهوری شهید محمد داوود را می پذیرد. عبدالحمید مبارز در کتاب «از سقوط سلطنت تا ظهور طالبان» می نویسد که پاسخ شاه به شماری از حامیانش در روم که باز گردد و با حمایت و محبت گسترده ای که مردم به او دارند، داوود را کنار بزند، این بود که علاقه ای به قدرت ندارد. بهتر است متوجه انگشتی باشند که در روی میز کار او بود و اثر تاریخی و پُر ارزش دوره تیموریان هرات محسوب می شد. من، این روایت را چند جا تکرار کرده ام و منظورم این است که خواننده افغان درک کند، یک فرزند اصیل و باوجدان وطن، حتی یک اثر کوچک تاریخی را بر قدرت و شوکت ترجیح می داد. می توان درک کرد که او با این بینش، در حدی که در توانش بود، کشوری را ترک می کند که تقریباً اکثر داشته های زیر بنایی و اساسی آن، یادگاران حاکمیت اوست.

روایتی که الحاج نصیر عبدالرحمن برایم تعریف کرد، حقیقت دیگری از شخصیت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه (رح) را بازتاب می دهد که وی در اختیار شکل حکومت، هرگز به انحصار سیستم شاهی معتقد نبود.

با تصویب قانون اساسی سال ۱۳۴۲ که بر اساس اراده شاه، برای اولین بار انحصارات خاندانی قدرت را کنار می زنند، در مقطعی می توان به طرز دید نو به سیستم حاکمیت توجه کرد.

آقای عبدالرحمن به نقل از یادداشت های مرحوم عبدالمجید خان، برایم تعریف کرد که اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در زمان سلطنتش، عبدالمجید خان را احضار می کند و از او که از دانش حقوق آگاهی داشت، می خواهد روی زمینه های تغییر نظام از شاهی به جمهوری فکر کند. مرحوم داکتر عبدالمجید خان، چنانی که آقای عبدالرحمن برایم شرح داد، در نخست از این پیشنهاد شاه غافلگیر می شود و به گمان می افتد که نشود سوء نیتی در کار باشد. تغییر نظام از سلطنت به جمهوریت، می توانست صورت تعویض قدرت باشد. در نوبت دوم احضار، مرحوم عبدالمجید خان که دچار نگرانی شده بود، عذر می خواهد و خاطره او از این تعذیر، تبسم بزرگوارانه آخرین شاه افغان بود.

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، با تمام کرامت انسانی در برابر ملت ما، ادای دین کرده است. اختیار روش های مردمی او و این که هیچ هراسی از بهر از دست دادن قدرت نداشت، جای او را در نقد تاریخ، بسیار محترم می کند. در یک فلم مستند سفر او به روم (سال ۱۹۴۹)، هنگام فرود از طیاره، در میان جمعیت استقبال کننده، اعلیحضرت شاه امان الله خان نیز قرار داشت. در این مستند، شاه مرحوم پس از آن که از طیاره پایین می شود، بلافاصله با آغوش باز شاه امان الله خان مواجه می شود. اعلیحضرت بدون کمترین تردید، او را در آغوش می گیرد و با خون سردی مصافحه می کند.



تصویری از اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و شاه امان الله خان موجود است که در روم در کنار هم، ایستاده عکس گرفته اند.

رقابت های سیاسی سالیان اخیر، سنگرداران جهادی و دوستان چپی را از بلندترین تا پائین ترین ها، آن قدر دور و دشمن می سازد که برای حفظ قدرت، در تمام انواع خیانت، ریکارد قایم می کنند. بُردن اسم رقیبان، حتی کفر تلقی می شد.

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که به گونه ای در جبر تاریخ، جای شاه امان الله را گرفته بود (میراث سلطنت اعلیحضرت محمد نادرشاه)، در هنگام سلطنت، با بزرگواری سلب تابعیت شاه امان الله را که روی معاضدت عوامل داخلی، یک افتضاح تاریخی شمرده می شد، رفع می کند و در سال ۱۹۶۰ که سال وفات اعلیحضرت شاه امان الله است، به اجازه و امر او، جسد آن شاه محترم را با تشریفات در خور یک بزرگ افغانستان، به جلال آباد در کنار مقبره اعلیحضرت امیر حبیب الله خان سراج الملت و الدین دفن می کنند.

من در هر فرصتی که میسر شود، با اعتقاد به آئین ارج گذاری به بزرگان و باور به رعایت حرمت «نخوانندش از اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد»، کوشیده ام در زمینه کنونی، یاد مردان و بزرگان محترم، معزز و مورد احترام ملت، رابطه منطقی گذشته خوب و امروز را روی زمینه هایی حساب کنند که جامعه مدنی کنونی، برای تطهیر و اثرگذاری، دیگر گنجایش باور به کیش شخصیت های منفی را ندارد. تضاد خوب و بد، رخ ما در برابر واقعیت هایی است که نشان می دهد مفاهیم مدنی، فرهنگی و معارف، در صورت اشخاص و افرادی ناخواناست که از مجریان کمونیست تا تنظیمیان به اصطلاح جهادی، در برابر تمام دست آورد های مملکت، نقش طاعون را بازی کرده اند.

با ارج گذاری به بزرگان واقعی این مملکت، رابطه منطقی جامعه مدنی کنونی را با گذشته ای وصل کنیم که در همخوانی، متمم یکدیگر می شوند و از مبداء تا تجربه کنونی، درک ما از رو به جلو، به مبدای منطقی ای بر می گردد که تهداب جامعه مدنی را خیلی پیشتر از تجربیات تلخ، خونین و ناکام پس از بحران (هفت ثور)، ثابت می کنند.

یادآوری:

از طریق لینک زیر، ویدیوی ملاقات دو شاه نیک نام افغانستان را تماشا کنید!

<https://www.youtube.com/watch?v=I^RWNKfWHLM>

شرح تصاویر:

اعلی حضرت محمد ظاهر شاه (رح) پادشاه افغانستان در سفر به روم - ایتالیا در سال ۱۹۴۹ و استقبال اعلیحضرت شاه امان الله خان از او در میدان هوایی روم.